

کتابتیں

ISSN : 2228-5679

[illegible]

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ✦ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ✦ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان زین الدین بن محسن عاملی ✦ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ✦ حاج شیخ جعفر شوشتری ✦ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ✦ زندگینامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ✦ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقیه دکتر ابوالقاسم گرچی ✦ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ✦ سه اجازه از بزرگان حله ✦ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
ببیت و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ✦ نگاهی به الاخبار الدخیله ✦ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ✦ آفاق نجف ✦
گزارش سفری به ریاض ✦ تصحیح اعیان الشیعه ✦ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها ✦ آثار نو یافته

کتاب پیوست: ملحق مال الاصل

اشارات

بعض من هذا القسم بعض الملاحظات والحوار من التحقيق وأمله، منها: تصحيح بعض الأخطاء في فهرسة المخطوطات، مقرر كتاب للسيد شمس الدين النجفي، تقرير عن حياة الشيخ مرتضى الانصاري؛ توسل آية الله السيد شهاب الدين المرعشي بالسيدة المعصومة عليها السلام للحصول على نسخة في علم الأنساب؛ بعض المطالب حول ابن أبي جمهور الأحاساني؛ تقرير عن كتاب چشمه زندكي (نوع الحياة)؛ ضرورية فتح نشر الأحاديث المجمعلة؛ سافات غدفون بروجر، كتاب منسوب للعلامة السيد محمد حسين الطباطبائي

چكيده: در اين بخش، نکته‌های پژوهشی کوتاه می‌خوانیم. از جمله: بخت هر کس بتواند، لزوم منع نشر احادیث مجهول، سرنوشت کتاب، «دانشمندان نامی شهرستانهای ایران»، سخنی راجع به عقاید ابن ابی جمهور احسانی، گزارشی از زندگی شیخ مرتضی انصاری، توسل آیت الله سید شهاب الدین مرعشی به حضرت معصومه علیها السلام برای دستیابی به نسخه‌ای در علم انساب؛ مطالبی در مورد ابن ابی جمهور احسانی، یادداشتی در مورد کتاب چشمه زندکی؛ سادات غدفون بروجر، کتابی منسوب به علامه سید محمد حسین طباطبائی؛ کلید واژه: انصاری، مرتضی؛ نسخه‌های خطی - فهرست نگاری؛ مرعشی، سید شهاب الدین؛ ابن ابی جمهور؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، بحار الانوار (کتاب)؛ کافی (کتاب)؛ طباطبائی، سید محمد حسین؛ نکته‌های پژوهشی.

۱ بِخَطِّ هِرَكْسِ خواند!

در کتاب مکتبات الدولة السعودية الأولى المخطوطة، ص ۳۳۷ - ۳۳۸ (تألیف حمد بن عبدالله العنقری، ج اول، ریاض، داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۳۰) یک نسخه خطی ازداریه شهید ثانی معرفی شده که در تملک نوه محمد بن عبدالوهاب بوده است. نویسنده کتاب مذکور در پایان معرفی این نسخه خطی کاتب آن را «هرکس خوانده» دانسته است!

الداریه فی الحدیث، برقم ۳۶۶، واسم الکتاب شرح علی البدایه فی علم الداریه لزمین الدین بن علی بن أحمد العاملي، علیه تملک بخط سلیمان بن عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب، نقه «ملکه عبدالله بن الشیخ» نسخ الکتاب فی غره رجب عام ۱۱۱۱ وألحق بالکتاب کتاب رجال تصانیف الشیعه [کذا]، نسخ الکتاب فی عام ۱۱۱۱ بخط هرکس خواند.

در فهرست اعلام کتاب مذکور (ص ۵۳۸) نیز «هرکس خوانده» به عنوان یکی از اعلام درج شده است. ظاهراً منشأ این اشتباه آن است که کاتب دریابان نسخه نوشته است «هرکس خوانده، بنویسد» یعنی در استنساخ و ترویج آن بکوشد. و فهرست نگارنا آشنا به زبان فارسی «هرکس خوانده» را نام کاتب نسخه پنداشته است.

این نسخه اکنون در کتابخانه محمودیه در محل کتابخانه عبدالعزیز در مدینه منوره نگه داری می شود.

در سفر حج اسسال (۱۴۳۱) کتاب مکتبات الدولة السعودیه را روی میز مدیر کتابخانه عبدالعزیز در مدینه منوره دیدم. فوراً این اشتباه به ذهنم آمد و کتاب را باز کردم و برایش توضیح دادم. شاید وی به این کتاب مباهی بود و آن را پیش دید و روی میز کارش نهاده بود. اشتباه دیگری نیز از کتابداران فهرستهای کتابخانه عبدالعزیز مدینه را برایش توضیح دادم. اطلاع طلاب ایرانی از زوایای آثار آنها برایش تازگی داشت و موجب شگفتی اش شد.

۲ لزوم منع نشر احادیث مَجْغُول

متأسفانه در روزگار ما شاید به دلیل اهمیت یافتن پاره‌ای از مسائل غیرمهم، به بسیاری از مطالب و مسائل مهم یا مهم تر توجه چندانی در خور نمی‌شود و منع و انکار و اعتراضی - متناسب با اهمیت مسأله - صورت نمی‌گیرد. از جمله گاهی مطالبی به عنوان حدیث به حضرت رسول خدا ﷺ و اهل بیت و خاندان پیامبر ﷺ نسبت داده و در کتاب‌ها منتشر می‌شود که قرائن قطعی بر کذب آنها وجود دارد و عجیباً که نسبت کذب به پیامبر خدا و خاندانش (سلام الله علیهم اجمعین) حساسیتها را - آنچنان که باید - بر نمی‌انگیزد، وجه بهتر قبل از آنکه دشمنان و مخالفان از این موضوع سوء استفاده، و آن را علیه شیعه تبدیل به چماق کنند خود مان نقد ورد کنیم تا دشمن خلع سلاح شود و آبروی مذهب نرود. در این نکته به دو نمونه از این گونه مطالب اشاره می‌کنم. بیفزایم که در سفر حج امسال (۱۴۳۱) کتابی از مگه خریدم که وهابیان برخی از احادیثی که در نمونه اول می‌آید نقل و آن را ابزاری برای تبلیغ علیه شیعه کرده‌اند.

۱

چند سال پیش کتابی در ایران چاپ شد که مطالب ذیل در آن دیده می‌شود (مخصوصاً از ذکر نام کتاب و مؤلف و ناشر می‌پرهیزم تا ترویج باطل نباشد):

روایت است از حضرت رسول ﷺ که فرمود: «أینما امرأة عرضت علیها هذه السنة فأبت عنها وأنكرتها إلا خلع الله ربة الإیمان من عنقها وحشرت یوم القیامة مع عمرین الخطاب لمخالفتها واثابها لعمر» یعنی هر کدام زن که عرض کنند بر او این سنت را که متعه است پس آن زن ابا کند و سر باز زند از این سنت و منکر متعه شود پس نیست چیزی دیگر مگر آنکه برکند و دور گرداند و گردن طوق ایمان را پس در گردنش طوق را [کذا؛ شاید: برکند خداوند از گردنش طوق ایمان را]، و حشر کند او را در روز قیامت با عمرین الخطاب، و از برای مخالفت کردن آن زن پیغمبر را و متابعت نمودن او عمر را.

پس به رغم عمر و از برای اتباع آل رسول الله این سنت متعه را در عمل باید آورد - فنعم هذا القول مبالغة: مصراع: فرض شد برخسرو از تو مستحب می‌خوانیش



وهمچنین در حدیث وارد است که: «من ترک تمتعتی فلیس منی، ومن ترک تمتعتی لم یزل شفاعتی ومن لم یرضها بأنّه وأخته وبنته وعقته وخالته لم یزل شفاعتی» یعنی هرکه ترک کند تمتع سرا نرسد به شفاعت من، وهرکه راضی نشود تمتع را نسبت به مادر خود، وخواهر خود، و دختر خود، وعمه خود وخاله خود نرسد به شفاعت من.

و جای دیگر فرمود علیه السلام: «من تمتع مرّة عتق ثلثه من النار، ومرتین ثلثاه، وثلاثاً دخل الجنة» یعنی هرکه یک بار تمتع کرد و بر خورداری گرفت از این سنت، آزاد شد دودانگ بدن او از آتش دوزخ، وهرکه دو بار تمتع کرد چهار دانگ او آزاد شد از آتش دوزخ، وهرکه سه بار تمتع کرد می رود به بهشت به کوری....

و جای دیگر فرمود که: «من تمتع مرّة آمن من سخط الجنّاء، ومن تمتع مرتین حشر مع الأبرار، ومن تمتع ثلاثاً ازحمی در جاتی، إلى الجنة [ومن] زاد، زاده الله علواً ورفعة» یعنی هرکه تمتع کرد یک بار این شد از ناخشنودی خدای جنّاء وهرکه تمتع کرد دو بار حشر کرده شود روز قیامت با ابرار وهرکه تمتع کرد سه بار نزدیک می شود با من وشریک من است به درجات من در بهشت، وهرکه زیاده از سه بار تمتع کرد زیاده می کند خدای تعالی مرتبه او را و علو قدر او را زیاده کند در دنیا و آخرت.

جای دیگر فرمود که: «من تمتع مرّة کتب له سبع مائة ألف حسنة، ورفع له سبع مائة ألف سيئة، وزوّج له سبعین ألف حورالعین» یعنی هرکه تمتع کرد یک بار بنویسد خدای تعالی از برای او هفتصد هزار حسنه را و برمی دارد از او هفتصد هزار سیئه را و جفت او می گرداند هزار حوری را.

و جای دیگر فرمود علیه السلام: «ومن تمتع مرّة واحدة فهو له درجة کدرجة الحسین علیه السلام، ومن تمتع مرتین فهو له درجة کدرجة الحسن علیه السلام، ومن تمتع ثلاث مرات فهو له درجة علي بن أبي طالب علیه السلام، ومن تمتع أربع مرات فهو له درجة کدرجتي» یعنی هرکه تمتع کرد یک بار پس او را درجه ومرتبه ای است در ثواب همچو درجه امام حسین علیه السلام بمبالغة وهرکه تمتع کرد دو بار پس او را درجه ای است در ثواب همچو درجه امام حسن علیه السلام بمبالغة، وهرکه تمتع کرد سه بار پس او را درجه ای است در ثواب همچو درجه علي بن أبي طالب علیه السلام بمبالغة، وهرکه تمتع کرد چهار بار او را درجه ای است در ثواب همچو درجه من که محمد صلی الله علیه و آله باشد بمبالغة.

صدق رسول الله صلی الله علیه و آله.

* * *

این بود نمونه اول از احادیث مجعول که تصرفی در عبارات آن نکردم جز مابین دو قلاب.





۲

خطبه‌ای است منسوب به حضرت ابوالفضل العباس (سلام الله و صلواته علیه و علی آیه و آخیه) که به صورت پوستری با ترجمه فارسی در سطحی وسیع منتشر شده و پیش از آن در کتابی مخصوص شرح همین خطبه با آب و تاب فراوان با نام خطیب کعبه: شرح خطبه پرشور فرمنبر بنی هاشم (۶) بر فراز کعبه در یوم الترویبه سال ۶۰ ق به سال ۱۳۸۶ ش در تهران چاپ شده است. همانطور که عبارات و ساختار احادیث پیشین بهترین دلیل بر نادرستی و مجعول بودن آنهاست عبارات نااستوار این خطبه ساختگی هم بهترین شاهد مدعاست و انتساب آن احادیث به رسول خدا ﷺ و این خطبه به پسر و الاقدار امیر بیان و برادر بزرگوار سید شهیدان حضرت ابوالفضل العباس (ع) توهین به این بزرگواران است، از آنجا که فاضل مکرم جناب آقای جویا جهانبخش به تفصیل بسیار راجع به این خطبه و خطیب کعبه بحث کرده‌اند (رک: آینه پژوهش، شماره ۱۱۸، ص ۲۸-۵۶)، و مطالب تفصیل را به مقاله مزبور حواله می‌کنم.





سَرِ نوشتِ کِتاب

«دانشمندان نامِ شهرستانهای ایران»

عالم بزرگوار مرحوم شمس المحدثین سید علی بن الحسن حسینی اصفهانی، کتابی دارند به زبان فارسی، به نام فضائل و معجزات یا مدائن الفضائل والمعجزات که بارها چاپ شده و چاپ دوازدهم آن به همت انتشارات اشراق در بهار ۸۹ منتشر شده است. پشت جلد کتاب، سایر تألیفات مؤلف معرفی شده از جمله کتاب «دانشمندان نامی شهرستانهای ایران در پنجاه مجلد». سرنوشت این کتاب را از فرزند مؤلف پرسیدم. در پاسخ گفت: در عهد تاریک طایفه عراق، صدام حسین، این کتاب مفقود شد و امروزه اثری از آن نیست.

ترجمه عربی فضائل و معجزات به سال ۱۳۸۷ / ۱۹۶۸ م در نجف اشرف با مساعدت مرحوم آیه الله سید محمد جعفر مروج چاپ شده و نسخه ای از آن در کتابخانه مؤسسه کتاب شناسی شیعه هست. برای اینکه علاقه مندان به این گونه کتابها از سرنوشت آن مطلع باشند این نکته در اینجا قلمی شد.

مضامختار





مطالعه مراجع به ابن ابی جمهور و مراجع

شرح حال ابن ابی جمهور در عموم کتب تراجم مذکور و پیرامون تألیفاتش در مجلدات متفرق ذریعه بحث شده، و یکی از تألیفات کلامی و عرفانی مبسوط وی به نام *مَجْلَى بَرَاءِ الْمُتَنَجِّی* در سال ۱۳۲۹ ق در طهران به طبع رسیده است. *مَجْلَى بَرَاءِ الْمُتَنَجِّی* - به فتح هردو میم و فتح لام و جیم - یعنی جلوه گاه آینه رستگاری. مع الأسف، در عموم مآخذ *مَجْلَى مَرَأَةِ الْمُتَنَجِّی* - به ضمه هردو میم و کسر لام و جیم - بدون تصور معنای آن، می نویسند! از جمله در دائرة المعارف الإسلامية الكبرى (۲: ۲۹۳-۲۹۶) ذیل عنوان «ابن ابی جمهور» که پی در پی آنگونه اعراب گذاری کرده اند، با نارسایی های دیگر آن مقال، والله العاصم.

کتاب *المسالك الجامعية*^۱ فی شرح الرسالة الألفية اونیز که در شرح الفیه شهید اول رحمه الله نگاشته، به سال ۱۳۱۴ ق در هاشم الفوائد الملیّة لشرح الرسالة التعلیفة شهید ثانی ضمن مجموع شروح و حواشی الفیه و نفیة در طهران چاپ شده است. پیرامون یکی دیگر از آثار ابن ابی جمهور نیز به نام کاشفة الحال عن أحوال الاستدال که به سال ۸۸۰ در مشهد تألیف کرده است در فهرست دانشگاه (۵: ۱۷۱۶) به بعد، بحث شده است.

عوالی *الذلالی* الحدیثیة از آثار نغمه حدیثی و فقهی این دانشمند بزرگ است کلمة الذلالی را در بسیاری از جاها به شکل «الذلالی» نوشته اند، در حالی که جمع «لؤلؤ» به صورت لآلی باید نوشته شود نه به صورت «لیالی» که آن جمع «لیل» به معنی «شب» است.

۱. الجامعة، یا به نسبت: چون تألیف این کتاب را چنان که خود در مقدمه آن کتاب گفته در مسجد جامع کرمانه الحرم الکوی العلیّی «به پایان رسانید» لذا منسوب به آن مکان شریف کرده است. در ذریعه الحسینیة و ابن ابی شهید الفیه دیگری به نام «الشفعة» مطلب تصریح شده است. این کلمه اشتقاقاً در همان کتاب (ج ۱۳، ص ۱۱۴) و فهرست رضویة (ج ۵، ص ۶۱۲) به صورت «الجامعة» بدون یاء نسبت آمده است.



۵ شیخه مراجع به عقائد ابن ابی جمهور را چسباند

در تکملة أمل الأمل شیخه ای از عبارات مجلی مرآة المنجی (ص ۳۱۶ - ۳۱۸) آورده و همه را - در راه موافقت و تأیید صاحب المستدرک - تلقی به قبول و تأکید بر صحت آن عقائد نموده است، از جمله آن عبارات این است که:

خصوصاً إلى طائفة الموحدين والمحققين من أهل الله المسماة بالصوفية... إن الشريعة والطريقة والحقيقة أسماء مترادفة صادقة على الحقيقة الواحدة التي هي حقيقة الشريعة.

خدا را، کدام یک از ستارگان درخشان فقه شیعه و مشایخ و اعلام مذهب جعفری، امثال مرحومان کلینی، ابن بابویه، سیدین مرتضی و رضی، ابن طائوس، ابن ادريس، محقق حلی، علامه حلی، شهیدین و محقق کرکی - همزمان صاحب عوالی - سخنی از درستی مسلک تصوف داشته و دم از طریقت و حقیقت «دو لفظ بدعی من درآوردی» زده اند؟!۱

چیزی که می توان درباره نظرات عارفانه و تصوف مآبانه ابن ابی جمهور گفت این است که ما از محیط زندگانی و اطرافیان و مرادوان او آگاه نیستیم. گردش روزگار بوقلمون ممکن است محیطی و موقعیتی برای آن مرحوم پیش آورده بوده که او به ناچار، محض تحبیب و ایجاد اتحاد و همبستگی عقیدتی، به خصوص بودن شیعه در اقلیت و مضیقت؛ چنان مطالبی را در کتاب خود نوشته باشد، و امثال ذلک. والله العالم بحقائق الأمور.^۲

سید محمد علی روضه

۲. فهرست کتب خطی اسفهان، ج ۶، ص ۲۰۶، ۲۲۰.

۶ گزارشی از زندگی شیخ مرتضیٰ انصاری

میرزا موسی قائم مقام ملقب به میرزا بزرگ دوم (متولد ۱۲۶۲) فرزند میرزا علی فرزند میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، از رجال ادب و سیاست در دوره قاجار کاتب پناهی الموده از خواجہ سلیمان قندوزی را با عنوان مفتاح المحیة به فارسی برگرداند. وی، مجموعه‌ای از یادداشت‌های متفرقه خود را - بدون هیچ ترتیب موضوعی - در حدود ۷۰۰ صفحه نوشت که به اهتمام یکی از نوادگانش دکتر سید عبدالحمید قائم مقام فراهانی در سال ۱۳۶۶ ش انتشارات وحید آن را به صورت عکسی در شمارگان محدود منتشر کرد. این مجموعه - به نام یک بخش از آن در باب عقائد دینی - اقامه البرهان علی اصول دین الاسلام نام گرفت.

باری، قائم مقام در این یادداشت‌ها (ص ۲۱۳-۲۱۴) کتاب یاد شده، گزارشی درباره زندگی شیخ مرتضیٰ انصاری از زبان برادر همسر شیخ - که همسر قائم مقام در سفر حج بوده - می‌آورد که خواندنی است.^۳

حکایت

جناب حاجی هادی برادرزوجه مرحوم مغفور حجت الاسلام والمسلمین حاجی شیخ مرتضیٰ انصاری (نورالله مرقد) در سفر مکه همسفر بود. صحبت می‌فرمود که البته در هر سالی دویست هزار تومان یا محتاج‌وار از جوهرات پیر از عرب و عجم و هندوستان و ایران، از مال امام زو غیره به خدمت مرحوم شیخ می‌آوردند. باین حالت، به غیر از کتاب - که پاره‌ای وقفی بود و بعضی ملکی - اثاث البیت ایشان و مایحتاج خانه، هیچ‌جده قرآن، از قبیل کاسه سفالی و حصیر و فرش بود. و عادت آن مرحوم می‌بود طوری بود که دو ساعت قبل از صبح که می‌شد، مشغول نماز تهجد می‌شدند تا هنگام نماز جماعت و زیارت در حرم مطهر بعد صبح دودس می‌فرمودند تا بعد از ظهر و بعد از فراغ از نماز ظهر، دودس دیگری می‌فرمودند. و همچنین شب هم بعد از فراغت از نماز جماعت، مشغول به مطالعه و تصنیف و تألیف می‌شدند.

روزی تشریف بردند خانه، همشیره بنده فراش جدید آورد. فرمودند: «گویا ماهانه شما زیاد است». گفت: یک سال عسرت به خود داده تا این فراش را تمام نموده‌ام. فرمودند: «در هر ماهی ده شاهی از ماهانه شما کم کردم». همشیره عرض نمود: مختارید، هر چه بفرمایید.

غذای آن مرحوم منحصر به آب گوشتی بود که سه سیر گوشت داشت. در سن هشتاد سالگی کوزه آبی برمی‌داشتند، با پای پیاده به زیارت کربلای معلا از نجف اشرف مشرف می‌شدند.

رحم الله معشر الماضین که ره آخرت گرفتندی



کتاب ششم [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]
[مکته‌ها]

۳. قائم مقام در همین مجموعه، گزارشی از یکی از مجالس وعظ مرحوم شیخ جعفر نوشیروزی نیز آورده که در ضمن شرح حال مرحوم نوشیروزی (در مقدمه کتاب مواظط: تهران، نیک معارف، ۱۳۶۸ شمسی) نقل شده است.

۴. این عبارت سالمه آمیز است. میرزا شیخ انصاری (۱۲۷۲ - ۱۲۹۱) در حدود ۶۶ سالگی درگذشته است.



نکته‌ای در مورد سادات غدقونی بروجردی

در فهرس مخطوطات مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام العامة، نوشته مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی -
قسمت ۲۴ - ترائنه شماره ۹۳-۹۴ (سال ۱۴۲۹)، ص ۲۹۱ آمده است:

نسخه من اصول الکافی... بخط العلامة... السيد علي الغدقوني البروجردي... کتب بآخرو
الخطیب... الجواد العراقي: ان هذا الكتاب خط يد السيد علی الغدقوني البروجردي.

صحیح: الغدقونی البروجردی (به نون نه همزه).

سادات غدقون، تیره‌ای از سادات صحیح النسب بروجرد هستند که سید علی یاد شده از
اعلام قرن یازدهم آنهاست و یکی از بزرگان آنها در سنوات اخیر، مرحوم آیه الله سید محمد ابراهیم
بروجردی صاحب تفسیر جامع به زبان فارسی است در هفت مجلد که از سال ۱۳۳۶ شمسی
به بعد بارها به اهتمام مرحوم سید محمد کاظم صدر السادات مدیر کتابخانه صدر چاپ
شده است. و در سال ۱۳۸۲ نیز با تحقیق این بنده بار دیگر نشر جلیل مشهد آن را چاپ کرد.
برخی از این سادات به نام سادات مستجاب الدعوه نیز شهرت دارند، چنان که در زندگی نامه
سید محمد ابراهیم بروجردی در مقدمه تفسیر جامع آمده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در اجازه روایی خود به صاحب تفسیر جامع از او چنین نام می‌برد:

الحاج السيد ابراهيم الغفوري نجل المرحوم الميرزا السيد محمد حسين بن السيد
الجليل محمد بن عبد الغفور الموسوي البروجردي مؤلف تفسير الجامع وغيره من
البيت الشهير سادات قد غون.

(رک: تفسیر جامع، ج ۱، شرح حال مؤلف، ص ۲۴. مشهد: نشر جلیل، ۱۳۸۰، با تحقیق و
تصحیح: نگارنده این سطور).

عبدالجسین طالع



نُوسِلْ بِهٖ حَضْرَتِ مَعْصُومِهٖ عَلَیْهِ السَّلَامُ بِرَّای دَسْتِیابی بِهٖ نُسخه‌ای در آنسیاب

سراج الانساب اثر سید احمد کبایه گیلانی (زنده در ۹۷۶ ق) از جمله کتابهای نگاشته شده در علم انساب است که نسخه‌های آن کمیاب، و مرحوم آیت الله مرعشی در جستجوی آن بوده و نهایتاً برای دستیابی به آن، متوسل به حضرت معصومه (س) شدند. و به برکت توسل به آن حضرت، نسخه‌ای از آن را در کتابخانه ملک یافتند و به یکی از خوشنویسان دستور دادند که از روی نسخه ملک، آن را استنساخ کند. ایشان پس از استنساخ، نسخه را تصحیح نموده و حواشی بر آن نگاشتند و در اَوَّل نسخه شرح حال مؤلف را ذکر، و به ماجرای توسل به حضرت معصومه علیها السلام چنین اشاره کرده است:

واعلم انه وفقني الله تعالى ببركة التوسل بسيدتي ومولاتي فاطمة المعصومة بنت
الاسام موسى بن جعفر عليه السلام باستكتاب هذه النسخة من أصله الذي يخط العلامة
النسابة السيد عبد الواسع الحسني النسابة وكانت فيها بعض الأخطاء فصحتحتها
بحسب الوسع... وأنا العبد التواضعي فضل ربه ابوالمعالي شهاب الدين الحسيني
المرعشي النجفي، ۱۳۶۹ بيلدة قم المشرفة.

پس از گذشت چهل سال کتابخانه آیت الله مرعشی علیه السلام در سال ۱۴۰۹ ق، سراج الانساب را چاپ کرد.

منابع: فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی ۳ / ۶۱۹ - ۶۲۳ / ۱ و ۱۳۴؛ فهرست کتابخانه ملک ۳ / ۴۵۲؛ فهرستواره دست نوشته‌های ایران ۶ / ۶۶؛ نسخه پژوهی ۱ / ۱۵۱.

أَبُو الْقَاضِي حَافِظُهَا

ياراعف احمد بن محمد بن عبد الرحمن النسيابة قد روه

كتاب سراج الانس

بالحمد والثناء على الله الذي جعل العلم والدين من الامور التي لا ينفك عنهما

الامام الاخبار اعظم احمد بن محمد بن عبد الرحمن النسيابة قد روه عن ابيه

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال

في كتابه في معرفة الرجال في معرفة الرجال في معرفة الرجال



پادداشتی بر کتاب چشمه زندگی

نسخه‌ای از کتاب چشمه زندگی نوشته شده در ۱۱۵۲ در کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۶۴۷ نگهداری می‌شود. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی این کتاب را در ذریعه، ج ۴، ص ۴۵۵ - ۴۵۶ با عنوان «التحفة العلیة فی الأسرار الهادیة» شناسانده است. تهرانی گوید:

التحفة العلیة فی الأسرار الهادیة لمیرزا محمد هادی بن محمد صالح شیرازی. ذکر فيه موجبات زیادة العمر والقوة..... ألفه باسم شاه سلطان حسین الصفوی وزَّبه علی منیع وتسع جداول وساقية...
وللمؤلف شرح الذهبية المعروف بطبَّ الرضا وسماه عافیة البریة.
نسخة منه كانت بخط..... العطار... فرغ من الكتابة ۱۱۱۳ لکنه ضاعت الصفحة الأولى من دیباچته فلم یعلم اسم الكتاب...
فعمل السيد محمد..... وكتب خطیة وسماه بهذه الاسام بمناسبة اسم مؤلفه المعلوم هو ما ماذرنا مع بقية خصوصياته.
رأيت هذه النسخة عند السيد حسن... فی التجف.

مرحوم حجة الاسلام سيد محمد جزائری (۱۳۱۱ - ۱۳۸۴ ش) نویسنده کتاب نابغه فقه و حدیث، در آغاز این نسخه چند سطری به یادگار نوشته است. مرحوم جزائری با دقت در متن نسخه، به عنوان اصلی کتاب و شرحی از زندگی مؤلف آن دست یافته است. یادداشت مرحوم جزائری که در آغاز نسخه مجلس نوشته، چنین است:

در ذریعه ۴۵۶/۳ این کتاب را بنام التحفة العلیة فی الأسرار الهادیة مذکور ساخته و فرموده است [در نسخه‌ای که يك صفحه از اول رانداشته شخصی از فضلا دیباچه‌ای از خودش برایش نگاشته و نام تحفة العلیة بر آن گذاشته است و تاریخ کتابت آن سال ۱۱۱۳ بوده است؛ ولی قطعاً این نام صحیح نیست که در صفحه ۴ به آن تصریح کرده است. و همچنین تاریخ کتابت نسخه مذکور در ذریعه غلط است، زیرا به طوری که از ص ۳۲ معلوم می‌شود تألیف این کتاب در سال ۱۱۵۲ است و آن نقلی از نسخه کتاب مؤرخ ۵۹۹ نموده و گفته که از تاریخ نوشتن آن نسخه تا تألیف این کتاب ۵۵۳ سال گذاشته و جمع آن دو عدد سال مذکور را می‌رساند. پس تاریخ مذکور در نسخه اشتباه است بلکه محتمل است این نسخه

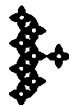




اصل خط مولف باشد و درص ۲۸ حکایت تأثیر چشم زخم را که در خانه پدرش در شیراز اتفاق افتاده آورده است و درص ۵۲ نام قصیده خود گهر منظوم را برده و چند بیت از آن را درص ۵۴ آورده و درص ۶۰ از علامه مجلسی صاحب بحار به «شیخی و شیخ الاسلام» تعبیر نموده است و درص [۹] نام کتاب [دیگر] خود را عافیة البریة فی شرح الذهبیة که شرح طلب امام رضا است آورده است و بالجمله از مطاوی کتاب فضل و ادب مولف معلوم و مستفاد، و اهمیت نسخه در نظر اهل فن و دانش پژوهان ظاهر است. و غیر از نسخه‌ای که در الذریعه خصوصیاتش را آورده و ناقص بوده نسخه دیگری سراغ نداریم پس این نسخه را منحصر به فرد باید دانست؛ (مسید محمد جزایی ۱/ ۱۲ / ۴۳ [۱۳] ش)

سوالی که باقی می‌ماند اینکه اگر این کتاب به این اسم و برای شاه سلطان حسین تألیف شده باشد، نمی‌تواند سال تألیفش ۱۱۵۲ باشد چون این زمان، پس از سال وفات سلطان حسین است. پس دقت بیشتری لازم است.

على اکجهفی





۱۰

اِنْشِابِ كِتَابِيْهِ عَلَامَةِ طَباطِبَائِيْ

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه آخر سوره آل عمران، بحثی به عنوان «کلام فی المراقبة فی المجتمع الاسلامی» در پانزده بخش مطرح کرده‌اند.

دفتر انتشارات اسلامی در سال ۱۳۸۴ ترجمه سیزده بخش از این مطلب را در کتابی به نام روابط اجتماعی در اسلام، نویسنده علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان در تیراژ هزار نسخه منتشر کرده است. نشر این ترجمه و استناد تألیف آن به علامه طباطبایی، از چند جهت درخور تأمل است:

۱. در روی جلد و شناسنامه کتاب و فهرست فیبا، این کتاب را به علامه نسبت داده‌اند و حتی در مقدمه‌ای که ناشر بر کتاب نوشته، چنین آمده است:

مؤلف سعید و فقید این نوشتار مرحوم علامه طباطبایی در این مجموعه، به اهمیت و جایگاه ویژه روابط اجتماعی اسلام پرداخته و از رویای متفاوت و گوناگون، آن را مورد بحث و بررسی قرار داده است. این دفتر پس از بررسی و ویرایش، این اثر ارزشمند را چاپ و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار می‌دهد.

۲. این کتاب برگردانی جدید از قسمتی از المیزان است و برگرفته از ترجمه آقای موسوی همدانی نیست.

۳. پاورقی‌های کتاب سه گونه است: با رمز «ح» در سیزده مورد؛ با رمز «ط» یک مورد که مترجم به دلخواه خود جمله‌ای را از متن المیزان حذف کرده و در پاورقی آورده است؛ بدون رمز هم سیزده مورد. البته یک مورد هم در صفحه نوزده، رمز مرکب «ط ح» آمده است که بخشی از آن، ترجمه حاشیه المیزان است و بخشی دیگر اضافات جناب ح!

۴. در تمام کتاب هیچ اسمی از مترجم نیامده است. جود در پاورقی صفحه بیست و نه که چنین تصریح شده است: «جملات داخل پرانتز از مترجم است».

با توجه به این نکات، لازم بود که ناشر محترم به ترجمه بودن کتاب و نام مترجم تصریح می‌کرد و بر روی جلد می‌نوشت: «برگرفته از تفسیر المیزان» نه «نوشته علامه طباطبایی» صاحب تفسیر المیزان؛ چون هر کس این کتاب را ببیند، اولاً تصور می‌کند این کتاب به قلم علامه طباطبایی است، در حالی که نیست. و ثانیاً می‌پندارد اثر مستقلی از علامه است، در حالی که بخشی از المیزان است.

سِتِّجَاد مَنصُورِی



کتاب شیمه [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

(تکته‌ها)